

4179

۱۵۰۰

✓

۹۲۸

۰۷۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

WWW.KOTAB.IR

ترجمه و شرح

# فرائد الأصول

شیخ انصاری رحمۃ اللہ علیہ

قطع. ظن

آیة اللہ شیخ محمد مسعود عباسی زنجانی

سر شناسه : عباسی زنجانی، محمد مسعود شارح  
عنوان و نام پدیدآور: ترجمه و شرح فرائد الاصول شیخ انصاری / محمد مسعود عباسی زنجانی  
مشخصات نشر: قم . انتشارات دارالعلم ، ۱۳۸۹  
مشخصات ظاهری : ج ۱ [ ۶۰۰ ]  
شابک دوره ۰-۱۱۹-۲۰۴-۹۶۴-۹۷۸ ج ۱ ۶-۱۲۰-۲۰۴-۹۶۴-۹۷۸  
شابک دوره ۰-۱۲۱-۳-۲۰۴-۹۶۴-۹۷۸ ج ۳ ۰-۱۲۲-۲۰۴-۹۶۴-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
موضوع: انصاری ، مرتضی بن محمد امین ۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق . فرائد الاصول - نقد و تفسیر  
موضوع: اصول فقه شیعه - قرن ۱۳ ق  
تاریخ افزوده: ساری ، مرتضی بن محمد امین ۱۲۱۴ - ۱۲۸۱ ق . فرائد الاصول . شرح  
شناسه افزوده: عنوان : فرائد الاصول . شرح .  
رده بنسخت‌نگره: ۱۳۸۹ ۴۰۲۶ ف ۸ الف / bp۱۵۹  
بندی دیویی: ۲۹۷/۳۱۲



## ترجمه و شرح رسائل جلد اول

ه‌لف: شیخ مرتضی انصاری  
مترجم: آیت الله شیخ محمد مسعود عباسی زنجانی  
ناشر: انتشارات دارالعلم  
تیراژ / ۱۵۰۰  
قیمت / ۰۰۰۰ تومان  
نوبت چاپ / هفتم پای ۱۳۹۷  
قطع و صفحه / وزیری ۶۲۸ صفحه

دفتر مرکزی / قم خیابان معلم ، میدان روح الله نبش کوچه ۱۹ پلاک ۱۰  
تلفن / ۹ - ۳۷۷۴۴۲۹۸ - فکس / ۳۷۷۴۱۷۹۸  
قم / خیابان معلم ، مجتمع ناشران، طبقه همکف، واحد ۷ تلفن: ۰۷۸۴۳۳۸۰  
دفتر تهران / خیابان انقلاب، ۱۲ فروردین، ساختمان تجاری ناشران  
طبقه همکف شماره ۱۸ / ۱۶ تلفن: ۰۶۶۹۷۳۸۰۹-۶۶۹۵۵۴۰۵

چاپ / چاپ احسان قم، تلفن ۳۷۷۴۳۴۴۳  
حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است  
[www.darolelm.com](http://www.darolelm.com)

دوره ۰-۱۱۹-۲۰۴-۹۶۴-۹۷۸ شابک ۶-۱۲۰-۲۰۴-۹۶۴-۹۷۸

# فهرست نموداری جلد اول

مباحث مقدماتی  
و تقسیمات اصول عملیه (ص ۳۱ به بعد)

طریقت و حجیت قطع  
(ص ۳۵ به بعد)

اسام قطع و تعاریف آنها  
(ص ۳۷ به بعد)

ویژگی‌ها و تفاوت‌های  
قطع طریقی و موضوعی }  
۱. طریقی وسط واقع نمی‌شود (ص ۳۸)  
۲. جانشینی امارات و اصول به جای طریقی (ص ۳۲)

مقصد اول: قطع  
(ص ۳۵)

تنبیه اول (ص ۴۶)  
تنبیه دوم (ص ۶۷)  
تنبیه سوم (ص ۸۷)

تنبیهات قطع  
تنبیه چهارم: علم اجمالی  
(ص ۹۲)

مقام اول: آیا علم اجمالی،  
تکلیف را منجز می‌کند؟  
مقام دوم: وجوب موافقت قطعیه (در جلد دوم بحث می‌شود)

مقام اول: حرمت مخالفت قطعیه (ص ۱۰۳) - اسام مخالفت علم اجمالی (ص ۱۱۴)  
مقام دوم: وجوب موافقت قطعیه (در جلد دوم بحث می‌شود)

مقام دوم: اکتفا به امتثال اجمالی  
جایز است یا نه؟ (ص ۹۶)

مقصد اول: امکان تمعید  
(ص ۱۴۷)

اقوال در امکان وقوعی  
تمعید به ظن (ص ۱۴۷)

۱. ابن قیبه: امتناع وقوع (ص ۱۴۷)  
وجوده طریقیه (ص ۱۶۱)  
وجوده سببیه (ص ۱۶۲)  
\* تمعید به امارات غیر عملی

۲. ابن شریح: ضرورت وقوع (ص ۱۸۱)

## فوائد الاصول (رسائل)

مقصد دوم: ظن  
(ص ۱۴۷)

مقام دوم (وقوع)  
به ظن (ص ۱۸۴)

مقام اول: در وقوع تمعید به ظن (ص ۱۸۴)  
تقریر اول از چهار وجه (ص ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳)

اسام اول (ص ۲۰۷)  
امارات مستعمل در استنباط احکام از الفاظ کتاب و سنن (ص ۲۰۷)

حجیت ظواهر کتاب  
(ص ۲۰۹)

دلایل عدم حجیت  
ظواهر کتاب (ص ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۲۳)  
دلایل حجیت ظواهر  
کتاب (ص ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۵)

یکم (ص ۲۲۷)  
دوم (ص ۲۲۹)  
سوم (ص ۲۳۲)  
چهارم (ص ۲۳۴)

تنبیهات

حجیت ظواهر نسبت به من لیرقصده الهامه (ص ۲۳۶)

حجیت قول لغوی (ص ۲۷۴)  
حجیت اجماع منقول (ص ۲۸۴)  
حجیت شهرت فتواییه (ص ۳۹۴)

اسم دوم  
(ص ۲۷۴)

ادله مانعین از حجیت خبر واحد (ص ۳۱۱)

کتاب (ص ۳۲۸)  
آیه نغو (ص ۳۶۴)  
آیه کتمان (ص ۳۷۹)  
آیه سؤال (ص ۳۸۲)  
آیه آذن (ص ۳۸۶)

ادله مانعین از حجیت خبر واحد (ص ۳۱۱)  
وجه اول: تقریر اجماع (ص ۵۱۳)  
وجه دوم: تقریر اجماع (ص ۵۶۲)  
وجه سوم: تقریر اجماع (ص ۵۶۲)  
وجه چهارم: تقریر اجماع (ص ۵۶۷)  
وجه پنجم: تقریر اجماع (ص ۵۷۱)  
وجه ششم: تقریر اجماع (ص ۵۷۲)  
وجه هفتم: تقریر اجماع (ص ۵۸۹)  
وجه هشتم: تقریر اجماع (ص ۵۹۱)

دلیل یکم: وجوب دفع ضرر ظنی

۱. از حاجب  
۲. از شیخ طوسی  
۳. پاسخ نقضی

حجیت مطلق ظن،  
با چهار دلیل عقل  
(ص ۵۹۹)

دلیل دوم: لزوم ترجیح مرجوح بر راجح  
دلیل سوم: سخن صاحب ریاض  
دلیل چهارم: دلیل انسداد  
\* تنبیهات دشمنی تنبیه { خوانده نمی‌شود

مقصد سوم (شک)  
خاتمه (تعادل و تراجمی)

جلد دوم و سوم

### بسم الله الرحمن الرحيم

در «اصول فقه» مرحوم علامه مظفر رحمته الله مباحث کوتاه بود و صدر و ذیل بحث به راحتی به دست می آمد، ولی «رسائل» دریایی است بی کران؛ همان طور که شما - اگر به دریا رفته باشید - ساحل که دور شدید به حدی که دیگر ساحل دیده نشد، هیچ طرفتان - نه شمال، نه جنوب و نه هیچ طرف دیگر - را تشخیص نمی دهید و نمی دانید در چه موضعی هستید و چه مسیری را باید بروید، در رسائل نیز به همین ترتیب است. وقتی از ابتدای کتاب یا ابتدای هر اصلی که در می شوید و جلو می روید - اگر اندکی غفلت کنید - دیگر نمی دانید که این بحث چه مسیری را می گذارد و هر مسیر به دنبال اثبات یا رد چه مطلبی است و در آخر سر در کجا پایان یافت و بحث بعدی کی شروع شد و در چه مرحله ای است. بسیاری از مواقع یک بحث تمام شده است و شیخ وارد چندین بحث دیگر شده، ولی خواننده - به خاطر غفلت در اثنای آن بحث اولی - تصور خیالی می کند، در ادامه همان بحث است.

برای اینکه مباحث دراز از من رسائل بحث تصرف خواننده درآورده شود، نموداری در یک صفحه - ولی با صرف دهها دقیقه - تهیه دیده شده خواننده محترم با رجوع مکرر به آن در خلال مطالعه کتاب، بداند فلان بحث از کجا شروع شد و کجا خاتمه یافت و اگر احیاناً در اثنای مطالعه و یا در سر کلاس درس، آن بحث را با یکی فراموش کرده، فقط همان بحث را برگردد و از ابتدا مطالعه کند و سایر مباحث را با دست گوش فر دهد تا حداقل سایر مباحث از دست نرود.

#### دو پیشنهاد:

۱. تقسیمات هر بحث، بیشتر از آن است که در این نمودار آورده شده است، لذا بهتر است خواننده محترم خودش در ضمن مطالعه هر بحث، نموداری مفصل تهیه ببیند و تقسیمات را ادامه دهد؛

۲. و در هر تقسیم نتیجه ای را که شیخ انصاری رحمته الله می گیرد - فقط نتیجه، نه خلاصه سایر مباحث را - در جلو هر قسمت از تقسیم بنویسد.

این کار دو فایده دارد: یکی اینکه تمرکز خواننده از دست نمی رود و غفلت عارض نشود. بحث از دستش خارج نمی گردد. و دیگر اینکه در آخر سر، خلاصه ای نموداری، همراه با نتایجی که شیخ اعظم از مباحث گرفته را در دست دارد که هر وقت خواست می تواند به آن رجوع کند و به راحتی نظر شیخ را در هر بحث بداند.

## فهرست مطالب

۱۹	.....	شیخ مرتضی انصاری
۲۸	.....	در مورد این شیخ

### مقاصد کتاب

۳۵	.....	مقصد نخست: قطع
۳۵	.....	و جوب متابعت از قطع
۳۶	.....	مراد از اطلاق «حجیت» بر قطع
۳۷	.....	تقسیم قطع به: طریقی و موضوعی
۳۸	.....	ویژگیهای قطع طریقی و موضوعی
۴۲	.....	۱. جایز نبودن نهی از عمل در قطع طریقی جواز آن در قطع موضوعی
۴۲	.....	۲. جانشینی امارات و اصول بجای قطع صریقی و موضوعی طریقی
۴۲	.....	بجای قطع موضوعی وصفی نمی‌نشیند
۴۴	.....	ظنّ طریقی، ظنّ موضوعی
۴۶	.....	تنبیهات
۴۶	.....	تنبیه نخست: تجزی
۶۷	.....	تنبیه دوم: حجت نبودن قطع حاصل از مقدمات عقلی نزد اخباریون
۸۱	.....	تنبیه سوم: قطع قطّاع (زودباوران)
۸۱	.....	تنبیه چهارم: اعتبار علم اجمالی
۹۴	.....	مقام دوم: کفایت علم اجمالی در امتثال
۹۴	.....	امتثال اجمالی در عبادات
۹۶	.....	ظنّ تفصیلی

- مقام نخست: مخالفت قطعی با علم اجمالی ..... ۱۰۳
- صور علم اجمالی ..... ۱۰۳
- بوجود آمدن علم تفصیلی به حکم شرعی، از علم اجمالی ..... ۱۰۶
- میان علوم تفصیلی تفاوت نیست ..... ۱۰۷
- هاردی که توهم شده بین علوم تفصیلی تفاوت است ..... ۱۰۷
- پاسخ موارد یاد شده ..... ۱۱۱
- اقسام مخالفت با علم اجمالی ..... ۱۱۴
- مخالفت التزامی، مخالفت نیست ..... ۱۲۰
- دلیل جواز مخالفت التزامی ..... ۱۲۰
- مخالفت عمومی با علم اجمالی ..... ۱۲۷
- مخالفت با خطاب برد ..... ۱۲۹
- أقوی عدم جواز است به دور مظالم ..... ۱۳۳
- مشتبّه شدن مکلف ..... ۱۳۳
- مردد بودن تکلیف بین دو نفر ..... ۱۳۴
- علم یافتن به توجه خطاب به خود شخص ..... ۱۳۵
- فروع مسأله ..... ۱۳۵
- و اما گفتار در مورد خنثی ..... ۱۳۹
- تعامل خنثی با دیگران ..... ۱۴۰
- حکم خنثی نسبت به تکالیف ویژه زنان و مردان ..... ۱۴۲
- و اما حکم معامله دیگران با خنثی ..... ۱۴۴
- حکم ازدواج خنثی ..... ۱۴۵
- مقصد دوم: ظن ..... ۱۴۶
- مقام نخست ..... ۱۴۷
- تعبد به ظن ..... ۱۴۷
- دلایل ابن قیّه بر امتناع تعبد به خبر واحد ..... ۱۴۸
- استدلال مشهور بر امکان ..... ۱۴۹
- استدلال بهتر ..... ۱۴۹

۱۵۰	.....	خدشه در أدلة ابن قبه
۱۵۴	.....	تعبد به خبر به صورت طریقی و سببی
۱۵۵	.....	در صورت طریقی تعبد ممتنع نیست
۱۵۶	.....	عدم امتناع، بنابر سببیت
۱۶۰	.....	تعبد به امارات غیر علمی و وجوه آن
۱۶۰	.....	۱. مسلک طریقت
۱۶۰	.....	۲. یکی است
۱۶۱	.....	وجه طریقت
۱۶۲	.....	وجه سببیت
۱۶۲	.....	۱. مطابقت حکم، با اماره
۱۶۳	.....	۲. تابعیت حکم فنی از اماره
۱۶۴	.....	تفاوت بین دو وجه
۱۶۵	.....	۳. مصلحت سلوکی
۱۶۸	.....	تفاوت میان وجه دوم و سوم
۱۷۷	.....	حاصل سخن در تفاوت وجه دوم و سوم
۱۷۹	.....	اشکال جمع بین حکم واقعی و ظاهری
۱۷۹	.....	پاسخ اشکال
۱۸۰	.....	حال اماره بر موضوعات خارجی
۱۸۱	.....	خلاصه گفتار
۱۸۱	.....	وجوب تعبد به اماره و اشکال آن
۱۸۴	.....	مقام دوم
۱۸۷	.....	وقوع تعبد به ظن
۱۸۷	.....	۴. اصل، حرمت عمل به ظن است
۱۸۹	.....	وجوه دیگر تقریر اصل
۱۹۱	.....	وجه دوم و خدشه آن
۱۹۲	.....	وجه سوم و خدشه آن
۱۹۳	.....	وجه چهارم و اشکال آن



- ۱۹۶ ..... حرمت عمل به ظن از دو جهت است
- ۱۹۸ ..... اشاره به دو جهت یاد شده، در کتاب و سنت
- ۲۰۱ ..... استدلال بر اصالة حرمت به آیات نهی از عمل به ظن
- ۲۰۳ ..... اماراتی که در مقام استنباط احکام شرعی از الفاظ کتاب و سنت به کار می‌روند
- ۲۰۷ ..... مبحث نخست: اماراتی که برای تشخیص مراد متکلم به کار می‌روند
- ۲۰۸ ..... مواضع اختلاف نظر
- ۲۰۹ ..... حجیت ظواهر کتاب
- ۲۰۹ ..... دلایل عدم حجیت ظاهر کتاب نزد گروهی از اخباریون
- ۲۱۰ ..... ۱. اخبار
- ۲۱۳ ..... پاسخ اصحاب از استدلال به اخبار
- ۲۱۴ ..... مراد از تفسیر رأی
- ۲۱۷ ..... اخبار دال بر جوار تمسک به ظاهر قرآن
- ۲۲۴ ..... ۲. عروض تقیید، تخصیص و انحصار ظواهر کتاب
- ۲۲۷ ..... گفتار سید صدر
- ۲۳۷ ..... تنبیهات
- ۲۳۷ ..... تنبیه نخست: توهم عدم ثمره در اختلاف نظر در حجیت ظواهر کتاب
- ۲۳۹ ..... تنبیه دوم: اختلاف قراءات در کتاب
- ۲۴۳ ..... تنبیه سوم: وقوع تحریف در قرآن، مانع از تمسک به ظواهر کتاب
- ۲۴۴ ..... تنبیه چهارم: حجیت ظواهر کتاب، ظاهر کتاب را ساقط می‌کند
- ۲۴۶ ..... حجیت ظواهر نسبت به غیر مقصودین به تفهیم
- ۲۴۶ ..... تفصیل صاحب قوانین میان مقصودین و غیر مقصودین به تفهیم
- ..... توجیه تفصیل یاد شده
- ..... ۴ خدشه بر تفصیل صاحب قوانین و سیره اهل زبان
- ۲۵۶ ..... اجماع علما بر عدم فرق میان مقصودین و غیر مقصودین به تفهیم
- ۲۶۱ ..... اشکالی دیگر از صاحب قوانین
- ۲۶۲ ..... خدشه بر سخن صاحب قوانین

۲۶۳	احتمال تفصیل پیشین در گفتار صاحب معالم
۲۶۶	عدم فرق در حجیت ظواهر میان آنچه مفید ظن به مراد است و غیر آن
۲۶۸	نظریه صاحب اشارات
۲۶۹	تفصیل صاحب «هدایة المسترشدين»
۲۷۱	تفصیل سید مجاهد
۲۷۲	ضعیف تفصیل هفتم
۲۷۴	قسم دوم. آنچه برای تشخیص ظواهر به کار می‌رود
۲۷۴	حجیت عدم حجیت قول لغوی در وضع
۲۷۶	۱. استدلال بر حجیت با اجماع علما و عقلا
۲۷۷	۲. ادعای اجماع در گزاره محقق سبزواری
۲۸۰	۳. عدم انسداد سبب اجماع با طرد قول لغوی
۲۸۲	۴. انسداد باب علم، مجوز عمل به ظنون ناشی از لغت است
۲۸۴	اجماع منقول
۲۸۴	آیا اجماع منقول حجت است؟
۲۸۶	ملازمه میان حجیت خبر واحد و حجیت اجماع منقول
۲۸۶	عدم حجیت اخبار از روی حدس
۲۸۷	ادعای وحدت مناط در عمل به روایات و اجماع منقول
۲۸۹	استدلال به آیه نبأ بر حجیت اجماع منقول
۲۹۴	عدم عمومیت آیه نبأ نسبت به هر خبری
۲۹۷	اجماع در مصطلح عامه و خاصه
۲۹۸	علت حجیت اجماع نزد امامیه
۳۰۰	مسامحه در اطلاق واژه «اجماع»
۳۰۰	مسامحه دیگری در اطلاق اجماع
۳۰۶	تدلّیس نبودن اطلاق «اجماع» بنابر مسامحه اول یا دوم
۳۰۷	سخن صاحب «معالم» و خدشه بر آن
۳۰۸	اقسام حکایت اجماع

- ۳۰۹ ..... حکم الفاظ اجماع
- ۳۱۲ ..... مستندات علم به قول امام علیه السلام
- ۳۱۲ ..... ۱. حسن
- ۳۱۳ ..... ۲. قاعده لطف
- ۳۱۳ ..... عدم صحت استناد به قاعده لطف
- ۳۱۴ ..... استکشاف قول امام علیه السلام در طریقه شیخ طوسی و سید مرتضی
- ۳۱۴ ..... شیخ ..... «عده» بر ردّ سید
- ۳۱۶ ..... قول ..... منجر به عدم صحت استدلال به اجماع است
- ۳۱۶ ..... سخن شیخ در «مهید الاصول»
- ۳۱۸ ..... استناد به قاعده لطف در کلام گروهی
- ۳۱۹ ..... سخن فخرالدین رازی در مورد اجتهاد متفاوت از یک مجتهد
- ۳۲۰ ..... سخن شهید اول و محقق تالی بر نبودن رأی برای میت
- ۳۲۱ ..... محقق داماد: امام علیه السلام خود متفرد به قولی نیست
- ۳۲۲ ..... توجیحات شهید اول در رعایت قاعده لطف
- ۳۲۳ ..... ۳. حدس
- ۳۲۵ ..... صلاحیت حدس برای استناد، و عدم حریت اجماع مقول
- ۳۲۸ ..... محقق کاظمی: اخبار، همیشه از حسن است
- ۳۳۲ ..... خدشه بر سخن محقق کاظمی
- ۳۳۳ ..... محمل‌های اجماعات ادعا شده
- ۳۳۴ ..... ۱. مراد اتفاق معروفین باشد
- ۳۳۴ ..... ۲. از اتفاق معروفین، اجماع کل استفاده شود
- ۳۳۵ ..... ۳. از اتفاق علما بریک امر، استفاده اجماع کل شود
- ۳۳۹ ..... مواردی که صراحتاً بنا بر وجه سوم است
- ۳۳۹ ..... محقق: تا زمانی که مانع نباشد اصل، عمل به جواز است
- ۳۴۰ ..... شیخ طوسی: جبران خطای قضات از بیت‌المال صورت می‌گیرد
- ۳۴۱ ..... سخن شیخ مفید

۳۴۲	..... ابن ادریس حلی: اجماع بر فوریت نماز قضا
۳۴۳	..... وجوه سه گانه اثبات ابتدای اجماع ابن ادریس بر حدس
۳۴۷	..... مقایسه میان سخن حلی و محقق <small>قده</small>
۳۴۸	..... تأویل اجماعات ادعا شده
۳۴۹	..... غای اجماع در فروع مبتنی بر استکشاف آراء و رأی امام <small>علیه السلام</small> است
۳۵۲	..... محقق سبزواری: مراد از اجماع منقول، معنای ظاهر آن نیست
۳۵۳	..... نتیجه بحث:
۳۵۶	..... فایده نقل اجماع
۳۵۷	..... تضعیف سخن سبزواری
۳۵۹	..... قطع به حکم از نص اجماع و ضمائ آن
۳۶۳	..... از نقل اجماع، قطع به وجود دلیل ظنی معتبر حاصل شود
۳۶۵	..... سخن شیخ اسدالله شوشتری در ریحه نقل اجماع منقول
۳۶۷	..... مقام نخست: حجیت اجماع مستند به سبب
۳۶۷	..... مقدمه نخست: دلالت «اجماع» بر سبب، یا دلیل معتبر
۳۶۹	..... مقدمه دوم: جواز اعتماد بر حجیت نقل سبب یاد شده
۳۷۴	..... مقدمه سوم: کشف حجت و دلیل معتبر از اتفاق کاتب سما
۳۸۳	..... فایده یاد شده برای اجماع منقول، در حکم هیچ است
	استلزام اجماع قول امام <small>علیه السلام</small> را، یا دلیل معتبر، هرگاه بدان امانتی دیگر پیوست
۳۸۵	..... شود
۳۸۷	..... حکم خیر متواتر منقول
۳۸۷	..... معنای قبول نقل متواتر
۳۸۷	..... تواتر قراءات
۳۹۴	..... شهرت فتوایی
۳۹۴	..... آیا شهرت فتوایی حجت است؟
۳۹۵	..... منشأ توهم حجیت:
۳۹۵	..... ۱. اولویت ادله حجیت خبر

- ۳۹۵ ..... خدشه بر استدلال نخست
- ۳۹۷ ..... ۲. دلالت مرفوعه زراره و مقبوله ابن حنظله.
- ۴۰۰ ..... پاسخ از استدلال به مرفوعه
- ۴۰۲ ..... پاسخ از استدلال به مقبوله
- ۴۰۴ ..... خ راحد
- ۴۰۴ ..... مقدمات اثبات حکم شرعی
- ۴۰۸ ..... جهان اختلاف بر در اخبار
- ۴۰۸ ..... ۱. آیا تطوع الصدور است
- ۴۰۸ ..... ۲. آیا بالنسبه اعتبار است یا خیر؟
- ۴۰۹ ..... ملاک اخبار
- ۴۱۱ ..... استدلال منکرین حجیت خبر واحد
- ۴۱۱ ..... ۱. استدلال به آیات
- ۴۱۱ ..... ۲. استدلال به اخبار
- ۴۱۵ ..... شیوه استدلال به گروه سوم از اخبار مع
- ۴۱۷ ..... ۳. استدلال به اجماع بر منع عمل به اخبار غیر معلوم الصدور
- ۴۱۸ ..... پاسخ استدلال به آیات و اخبار
- ۴۱۹ ..... مخالفت ظاهر عموم، مخالفت محسوب می‌شود یا نمی‌شود؟
- ۴۲۱ ..... استدلال و استشهاد برای عدم مخالفت خاص با عام
- ۴۲۲ ..... تضعیف گفتار شیخ طوسی و محقق صاحب «معارض»
- ۴۲۵ ..... ۴. اخبار دال بر طرح آنچه موافق کتاب نیست
- ..... پاسخ از استدلال به اجماع مورد ادعای سید و طبرسی
- ..... ادله قائلین عمل به خبر واحد
- ۴۲۸ ..... دلیل نخست: آیاتی از کتاب
- ۴۲۸ ..... آیه نخست: آیه نبأ
- ۴۳۰ ..... مناقشه در دو استدلال یاد شده
- ۴۳۱ ..... دلیل بر شرطی بودن وجوب تبیین نه نفسی بودن آن

۴۳۲	توضیح دیگر برای فساد تمسک به مقدمه خارجی یاد شده
۴۳۳	ایراد بر استدلال به آیه با آنچه دفعش ممکن است
۴۳۳	۱. عدم اعتبار مفهوم وصف
۴۳۴	عدم اعتبار مفهوم شرط در آیه، زیرا سالبه به انتفاء موضوع است
۴۳۶	۲. ارض مفهوم و تعلیل
۴۳۹	احتمال دیگر در معنای تفحص
۴۴۰	پسوخ بر این ایراد از سوی مؤلفان از ایراد تعارض مفهوم و تعلیل
۴۴۱	مناقشه در این پاسخ
۴۴۲	اولی در ره‌ایران ایراد دوم
۴۴۳	اشکالات قابل پاسخ
۴۴۳	۱. تعارض مفهوم آیه با بیانات نهی کننده از عمل به غیر علم
۴۴۶	۲. شمول آیه نسبت به خبر عدم علمی
۴۴۸	۳. عدم شمول آیه نسبت به اخبار معالواسطه
۴۴۸	پاسخ از این اشکال
۴۵۰	اشکال تقدم حکم بر موضوع
۴۵۲	۴. عدم امکان عمل به مفهوم آیه در احکام شرعی
۴۵۴	۵. عدم عمل به مفهوم آیه در مورد آن
۴۵۵	۶. مفهوم آیه مستلزم عمل نیست
۴۵۶	۷. مسأله اصولی است
۴۵۶	۸. انحصار مفهوم آیه در معصوم <small>عَلَيْهِ</small> و کسی که در رتبهٔ پس از اوست
۴۵۷	استدلال به منطوق آیه بر حجیت خبر ظنی غیر عادل
۴۶۴	تعمیم در معنای تبیین و اثر و نتیجهٔ آن
۴۶۴	آیه دوم: آیهٔ نفر
۴۶۷	ظهور آیه در وجوب تفقه و انذار
۴۶۸	استشهاد به احادیث برای اثبات ظهور آیه در وجوب تفقه
۴۷۱	اشکالات استدلال به آیه نفر

- ۴۷۴ ..... تفاوت میان اشکال اول و دوم
- ۴۷۴ ..... اشکال سوم
- ۴۷۸ ..... حقّ در استدلال به آیه نفر، بر وجوب اجتهاد و تقلید است
- ۴۷۹ ..... آیه سوم: آیه کتمان
- ۴۸۰ ..... دلیل بر استدلال به آیه
- ۴۸۲ ..... آیه چهارم: استدلال به آیه سؤال
- ۴۸۳ ..... ایرادات به استدلال به آیه پرسش
- ۴۸۶ ..... آیه پنجم: به اذن
- ۴۸۷ ..... مناقشه در استدلال به آیه اذن
- ۴۸۹ ..... مؤیدات «تصدیق» معنای چهار قبول
- ۴۹۰ ..... توجیه روایت و تبیین معنای تصدیق
- ۴۹۳ ..... مدلول آیات استدلال شده بر آنفرد حجّیت خبر واحد
- ۴۹۴ ..... دلیل دوم: استدلال به سنت برای اثبات حجّیت خبر واحد
- ۴۹۴ ..... ۱. اخباری که در مورد علاج دو خبر متعارض وارد شده‌اند
- ۴۹۷ ..... ۲. اخبار دالّ بر ارجاع آحاد روایت به آحاد اصحاب
- ۵۰۰ ..... ۳. اخباری که دال بر وجوب رجوع به روایت و نفی و علما هستند
- ۵۰۸ ..... ۴. اخباری که از آنها جواز عمل به خبر واحد برمی‌آید
- ۵۱۰ ..... قدر متیقّن از اخبار، اعتبار وثاقت است
- ۵۱۱ ..... عدم اعتبار عدالت
- ۵۱۳ ..... دلیل سوم: اجماع
- ۵۱۳ ..... ۱. اجماع در مقابل سید و پیروانش، و دو راه تحصیل آن
- ۵۱۴ ..... ادعای شیخ طوسی در مورد اجماع بر خبر واحد
- ۵۱۶ ..... اشکال و پاسخ شیخ طوسی رحمته الله علیه بر سخن خود
- ۵۲۰ ..... اشکال دیگر شیخ بر سخن خودش و پاسخ از آن
- ۵۲۱ ..... سخن شیخ و طرح اشکال
- ۵۲۲ ..... بخشی از شرایط عمل به خبر واحد
- ۵۲۶ ..... استدلال دوم و سوم شیخ طوسی رحمته الله علیه برای حجّیت خبر واحد

- سخن صاحب «معالم» در حمل سخن شیخ بر صورت اقتران خیر به قرینه ..... ۵۲۸
- سخن محدث استرآبادی در موافقت شیخ با سیدمرتضی ..... ۵۳۰
- سخن یکی از اخباریون در تأیید صاحب معالم و توهین به علامه و بزرگان شیعه  
رضوان الله علیهم ..... ۵۳۰
- خداشه بر سخن محدث استرآبادی و شیخ کرکی ..... ۵۳۲
- رینه نبودن اجماع شیخ بر صحت اخبار ..... ۵۳۴
- نقد فراز یا انسخن شیخ کرکی عاملی ..... ۵۳۵
- عذر صاحب «معالم» ..... ۵۳۸
- محاكمه بین محقق علامه رحمته الله علیه ..... ۵۴۰
- نزاع بین ادعای سید و نسیح رحمته الله علیه ..... ۵۴۱
- استبعاد صاحب معالم از تشبیه باد شده ..... ۵۴۲
- پاسخ از استبعاد صاحب معالم ..... ۵۴۳
- جمع بین قول سید و شیخ ..... ۵۴۴
- عدم صحت این جمع ..... ۵۴۵
- جمع دیگر بین سخن شیخ و سید رحمته الله علیه ..... ۵۴۵
- بهترین وجوه ..... ۵۴۷
- سخن سید بن طاووس در ادعای اجماع بر حجیت اخبار آحاد ..... ۵۴۷
- سخن علامه حلّی و محدث مجلسی در ادعای اجماع بر حجیت اخبار آحاد ..... ۵۴۸
- مراد از اخباریون در گفتار علامه حلّی رحمته الله علیه ..... ۵۴۹
- مراد از شبهه‌ای که برای سید مرتضی حاصل شده است ..... ۵۴۹
- اقتران اجماع شیخ و دیگران با قرائن دال بر صحت آن ..... ۵۵۰
- سخن سید در «موصلیات» و طرح اشکال ..... ۵۵۱
- قرائن دال بر صحت اجماع شیخ و علامه رحمته الله علیه ..... ۵۵۲
۱. مدعای کشتی ..... ۵۵۳
۲. ادعای نجاشی ..... ۵۵۳
۳. سخن ابن ادریس رحمته الله علیه ..... ۵۵۴
۴. سخن محقق در «معتبر» ..... ۵۵۶



- ۵۵۷..... ۵. سخن شهید در «ذکری».
- ۵۵۸..... ۶. استشهاد به سخن محدث مجلسی در «بحار».
- ۵۵۸..... ۷. سخن شیخ بهائی در «مشرق الشمسین».
- ۵۶۰..... ۸. تقریر متیقن خبری است که مفید اطمینان است.
- ۵۶۱..... سخن افضل قزوینی در «لسان الخواص».
- ۵۶۲..... وجه دوم از وجوه تقریر اجماع بر حجیت خبر واحد.
- ۵۶۳..... وجه سوم از وجوه تقریر اجماع بر حجیت خبر واحد.
- ۵۶۴..... اعتراض بید بر ورود و پاسخ از آن.
- ۵۶۷..... وجه چهارم از وجوه تقریر اجماع بر حجیت خبر واحد.
- ۵۶۹..... علت بنای عقلا بر عمل به خبر واحد.
- ۵۷۱..... وجه پنجم از وجوه تقریر اجماع بر حجیت خبر واحد.
- ۵۷۲..... وجه ششم از وجوه تقریر اجماع بر حجیت خبر واحد.
- ۵۷۳..... اشکال اول بر وجه ششم.
- ۵۷۴..... اشکال دوم بر وجه ششم.
- ۵۷۶..... دلیل چهارم بر حجیت خبر واحد: عقل.
- ۵۷۶..... وجه نخست از وجوه تقریر دلیل عقلی بر حجیت خبر واحد.
- ۵۷۸..... شدت اهتمام اصحاب به تنقیح اخبار.
- ۵۸۰..... وجه اهتمام اصحاب بر تنقیح اخبار و داعی ایشان بر آن.
- ۵۸۱..... نقل اخبار دالّ بر وجود اخبار مجعول.
- ۵۸۴..... پاسخ تقریر اول دلیل عقل.
- ۵۸۸..... جواب دوم از تقریر اول دلیل عقلی.
- ۵۸۹..... جواب سوم از تقریر اول دلیل عقلی.
- ۵۸۹..... تقریر دوم از دلیلی عقلی بر حجیت خبر واحد.
- ۵۹۰..... ایراد به سخن صاحب «وافیه».
- ۵۹۱..... تقریر سوم از دلیل عقلی بر حجیت خبر واحد.
- ۵۹۲..... ایراد بر سخن شیخ محمدتقی اصفهانی رحمته الله.

## هو العليم

### شیخ مرتضیٰ انصاری<sup>(۱)</sup>

در روز عید غدیر سال ۱۲۱۴ هـ ق در شهر دزفول در خانواده علم و ادب، متولد شد؛ پدرش شیخ محمد امین، نام اولین فرزندش را «مرتضی» انتخاب کرد.

### رؤیای صادق

مادر شیخ قبل از تولد وی شبی حضرت امام صادق علیه السلام را در عالم رؤیا می‌بیند که قرآنی طلاکاری شده به او داد. معتزین خوابش را و عطای امام را، به فرزندى صالح و بلند مرتبه تعبیر کردند و چنین شد که جهان تشیع مفتخر به وجود این شخصیت گردید که از نسل جابر بن عبدالله انصاری، فرزندى پا به رصه گیتی بگذارد که استمرار بخش خط ولایت و امامت باشد.

### نیاکان و پدران شیخ انصاری

در یکی از محله‌های شهر دزفول که نامش محله «میان انصاری» و در شمال غربی بقعه معروف «سبزقبا» واقع است، گروهی که اکثر آنها فقیه و اهل علم و عمل اند زندگی می‌کنند و از آنجا که جد بزرگ این خاندان جابر بن عبدالله انصاری است (۷۸-۱۶۶ ق و بعضی سال وفات وی را ۹۸ ق ذکر کرده‌اند) آنها را «جابری انصاری» می‌گویند. جابر بن عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله ۱۵۴۰ حدیث نقل کرده است و اولین کسی است که قبر حضرت امام حسین علیه السلام را چهل روز پس از شهادتش زیارت کرده و در این موقع نایبنا نبوده است، در بعضی از منابع آمده است که در زمان زیارت قبر امام حسین علیه السلام جابر نایبنا بوده است.

۱. بن زندگی نامه از کتاب «گلشن ابرار»، ج ۱، ص ۳۳۱ تا ص ۳۴۲ گزینش شده است.

## پدر و مادر شیخ

پدر شیخ به نام محمد امین از علمای پرهیزکار و از زمره احیای دین مقدس اسلام بوده است و در سال ۱۲۴۸ق خاکیان را بدرود گفته است. مادر شیخ دختر شیخ یعقوب و نند شیخ احمد بن شیخ شمس الدین انصاری است. وی از زنان پرهیزکار عصر خود و از زنان متعبده بوده و نوافل شب را تا هنگام مرگ ترک نکرده و چون در اواخر عمر نابینا شده بود شیخ مقدمات تهجد وی را فراهم می‌کرد حتی آب وضویش را در موقع احتیاج گرم می‌کرد این بزرگوار در سال ۱۲۷۹ق در نجف اشرف از دنیا رفت و شیخ در غم فقدان مادر بسیار غمگین و غمناک شد و گریه کرد.

## خانواده شیخ انصاری

شیخ سه همسر داشته است اولین آنها دختر شیخ حسین انصاری - که نخستین استادش بوده - و از این همسر یک دختر به نام بو بی فاطمه داشته است. دومین همسر شیخ، دختر مولانا مصطفی مطیع دزفولی بوده که از وی یک دختر به نام بی بی زهرا بازمانده است سومین همسر وی اهل اسفند یارشت بوده که از او یک فرزند پسر به دنیا آمده لکن قبل از تولد از دنیا رفته است.

## تحصیلات شیخ

وی از دوران صباوت، عشق تحصیل و فراگیری معارف دینی و حیات بخش اسلام را داشت و با جدّیت بسیار تا نیمه شب به مطالعه و تألیف دروس خود همت می‌گمارد. مرتضی ادبیات عرب و مقدمات را نزد پدرش و دانشوران دزفول، پیروی از فقه و اصول و دوره سطح را خدمت شیخ حسین انصاری (عموزاده اش) - که از فتهای سید نام دزفول بود - تلمذ نمود.

شیخ در سال ۱۲۳۲ق به همراه پدرش به عتبات - کربلا و نجف - جهت تدریس دروس و ترقی اندیشه‌هایش رهسپار شد.

شیخ محمد امین در کربلا به محضر سید محمد مجاهد - که از فقه‌های بزرگ شیعه در آن زمان بود و ریاست حوزه کربلا را داشت رسید. پس از معرفی خود، سید مجاهد احوال استاد نخستین خود - شیخ حسین انصاری را که زمانی با هم در درس پدرش سید علی طباطبایی - صاحب ریاض - حاضر می‌شدند و با یکدیگر دوست و همدرس بودند

- پرسید. شیخ محمد امین گفت: ایشان برادر زاده من است و اکنون مشغول تدریس فقه و اصول و تربیت طلاب است. سید مجاهد بر احترام آنها بیفزود و فرمود: به جز زیارت معصومین علیهم السلام مقصود دیگری نیز دارید؟ شیخ محمد امین پاسخ داد: فرزندم را برای استفاده از محضر مبارک آورده‌ام و به شیخ مرتضی که در آخر مجلس نشسته بود، اشاره کرد سید نگاهی خاص به شیخ کرد؛ زیرا کمتر کسی در سنین ۱۸ سالگی می‌توانست از محضر درس استاد و فقیهی فرزانه چون او استفاده کند، لذا برای آزمایش معلومات فقهی طلبه جوان أله‌ای ش آورد و گفت: شنیده‌ام برادرم شیخ حسین در دزفول نماز جمعه می‌خواند در حالی که بسیاری از فقهای شیعه اقامه نماز جمعه را در زمان غیبت ولی عصر (عج) جایز نمی‌دانند. در این موقع شیخ مرتضی دلایلی در وجوب نماز جمعه در زمان غیبت بیاررد که سید معاند از تقریر دلیل‌ها و بیان مطلب او شگفت زده شد و به شیخ محمد امین رو کرد و گفت: این جوان نبوغ ذاتی دارد، او را به صاحب این قبه - اشاره کرد به بارگاه امام حسین علیه السلام - بسپارید.

شیخ محمد امین به دزفول برگشت و فرزندش برای ادامه تحصیل در کربلا بماند. شیخ مرتضی چهار سال از محضر شیخ مرتضی یعنی سید مجاهد و شریف‌العلماء استفاده کرد.

در سال چهارم، عده‌ای از مردم دزفول که به زیارت کربلا آمده بودند، به وی گفتند: پدرت شوق دیدار تو را دارد.

## بازگشت به وطن

شیخ به اتفاق همشهریانش به زادگاهش دزفول بازگشت اما پیش از آن یک سال نتوانست در دزفول بماند شوق تحصیل او را در سال ۱۲۳۷ ق بار دیگر به بیت کشاند. وی در مجلس درس شیخ موسی فرزند شیخ جعفر کاشف‌الغطاء شرکت کرد و پس از دو سال مجدداً به دزفول بازگشت.

## ازدواج شیخ

شیخ در سن ۲۵ سالگی با دختر اولین استاد خود - شیخ حسین - ازدواج کرد. اولین ثمره این ازدواج پسری بود که پس از رفتن شیخ انصاری به مسافرت متولد گردید و چون هنگام تولد دو دندان داشت و بنا به عقاید خرافی پیر زنان قدیم چنین طفلی بدیمن

خواهد بود، مامای نادان دندانهای طفل چند روزه را کشید و کودک بیچاره از این صدمه بمرد.

### استادان شیخ انصاری

شیخ از محضر اساتید بزرگواری همچون شیخ حسین انصاری دزفولی، شریف العلماء مارندرانی، شیخ موسی کاشف الغطاء، سید محمد مجاهد، شیخ علی کاشف الغطاء، حرج ملا احمد نراقی تلمذ نمود و غیر از فرزندگان فوق الذکر شیخ نزد هیچ کس دیگر تلمذ نکرده است.

### تألیفات شیخ انصاری

آثار قلمی این بزرگوارانه - که دست مبارک خود و با خطی زیبا پیرامون موضوعات مختلف تألیف شده است - به سی انبار در زمان حیات شیخ در چند نوبت به قطع رحلی چاپ سنگی شده‌اند. به شرح ذیل است:

۱. کتاب رسائل. این کتاب در رسم اصول فقه است. به دلیل محتوایی تازه و بدیع به «فرائد الاصول» معروف شده است و در سال ۱۳۰۵ ق قطع رحلی چاپ سنگی و منتشر شده است.

۲. کتاب المکاسب این اثر در خصوص مسائل کسب و تجارت است. مطالب این کتاب علمی و استدلالی با تحقیقات و پژوهش میدانی و حاصل در ردّ و ابرام نظرات دانشوران و فقها گذشته است و هر دو اثر فوق از کتب درسی عالی در حوزه‌های علمیه تشیع است.

۳. کتاب الصلاة این اثر گرانسنگ - که در مورد مسائل نماز است - بصورت علمی و بسیار دقیق و مستدل بحث کرده است. این کتاب ۴۳۷ صفحه‌ای به قطع رحلی در سال ۱۳۰۵ ق چاپ سنگی و منتشر شده است.

۴. کتاب الطهارة این کتاب در ۵۴۸ صفحه به قطع رحلی در سال ۱۳۱۷ ق چاپ سنگی و منتشر شده است.

### مرجعیت شیخ انصاری

عصر زندگی شیخ مصادف بود با مرجعیت عامه آیه الله شیخ موسی کاشف الغطاء تا

سال ۱۲۵۶ هـ ق و بعد از مرحوم شیخ موسی زعامت دینی به برادرش آیه الله شیخ حسن کاشف الغطاء تا سال ۱۲۶۲ هـ ق و بعد از رحلت ایشان مرجعیت عامه به آیه الله شیخ محمد حسن صاحب جواهر منتقل شد.

در سال ۱۲۶۶ هـ ق آیه الله شیخ محمد حسن صاحب جواهر در لحظات آخر حیاتش در جمع علماء بزرگان شیعه - که برای تعیین تکلیف مرجعیت و زعامت دینی به - سورش رسیده بودند - پرسید: بقیه علماء محترم کجا هستند؟ به عرض رسید که علماء حوزه همگی خدمت شما هستند، نگاهی دیگر همراه با تبسمی نمود و فرمود: آری هستند اه عالمی در این شهر (نجف) است که در جمع نیست. مجدداً به عرض رسید که خیر آقا همگی خدمت شما هستند. آنگاه فرمود: پس ملاً مرتضی کجاست؟ عده ای به جستجوی وی پرداختند. پس از مدتی او را در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام یافتند که مشغول دعا جهت بهبودی و سلامت صاحب جواهر بود. جریان را به عرض شیخ انصاری رسانده و به حضور صاحب جواهر رساندند، صاحب جواهر نفس عمیقی کشید و رو به حضار نمود و فرمود: «هذا مرجعکم من بعدی این مرجع شما بعد از من است». و آن گاه رو به شیخ انصاری نمود و فرمود: «قُلِّلْ مِنْ أَحْرَابِ الشَّيْخَةِ سَمْحَةً سَهْلَةً؛ ای شیخ تو هم از احتیاط خود کم کن، چه دین اسلام سهل و آسان است».<sup>(۲)</sup>

### چگونگی تدریس شیخ انصاری

از کارها و گفته های شیخ معلوم است که در طول عمر با رکتش همه سعی و کوشش او در راه تحصیل، تدریس و تألیف آثار علمی بوده است. برادرش شیخ منصور نقل شده که: شیخ حتی در سفر برای وی درس می گفت و او تقریرات شیخ را می نوشت. حاج ملا نصرالله تراب در لمعات البیان می نویسد:

در سفر مکه همراه شیخ استاد بودیم، ما و همه حُجَّاج دو ماه در محلی به نام عَیْزَه ب جهت ترس از غارت اعراب بادیه نشین توقف نمودیم، شیخ عصرها برای ما کتاب «هدایة المسترشدين» درس می گفت و از جمله حاضرین در درس شیخ محمد باقر فرزند مؤلف کتاب مذکور بود.

شیخ انصاری بعد از نمازهای یومیه به جای تعقیبات نماز، مطالب درس و اشعار

۲. فقهای نامدار شیعه، عقیقی بخشایشی، ص ۳۴۱-۳۴۲، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی.

الفیه را - کتابی است در علم نحو که شامل هزار بیت شعر است - می خواند. وقتی از وی سؤال شد که شما با این همه مقام علمی، درسهای دوره نوجوانی را تکرار می کنی؟! در جواب فرمود: بله می خوانم و تکرار می کنم تا فراموشم نشود.

### بیان شیخ انصاری در تدریس

شیخ در موقع تدریس خارج فقه و اصول در توضیح مطالب علمی، چنان خوش بیان بوده و با استدلال، آراء ابتکاری خود را پیرامون مبانی اصولی و فقهی تقریر می نموده که همه بدیشران را مجذوب و شیفته خود می کرده است.

### نمونه ای از بیانات علمی و استدلال شیخ

استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب عدل الهی، ص ۳۴۸ از چگونگی بیانات علمی و استدلالی شیخ به هنگام تدریس حکایتی به شرح ذیل نقل می کند:

«سید حسن کوهکمری که از فضایی عصر شیخ بوده و خود مجلس درسی داشته است، یک روز در محل درس بود، پیش از آمدن شاگردان حاضر شد، دید در گوشه مسجد، شیخ زولیده ای با چند نفر شاگرد تدریس می کند؛ سید حسین سخنان او را گوش داد و احساس کرد که این شیخ بسیار معقانه بحث می کند، روز دیگر راغب شد، زودتر بیاید و به سخنان شیخ گوش کند، آمد و کوش کرد و به اعتقاد روز پیشین افزون شد که این شیخ از خودش فاضل تر است... و اگر شاگردانش بیایند درس او به درس این شیخ حاضر شوند بهره بیشتری خواهند برد.

روز دیگر که شاگردان او آمدند گفت: رفقا این شیخ که در آن کناره با چند شاگرد نشسته از من برای تدریس شایسته تر است و خود من نیز از او استفاد می کنم، هر چه با هم به درس او برویم... از آن روز سید حسین و شاگردانش در مجلس شیخ حاضر شدند. این شیخ همان است که بعدها نام شیخ مرتضی انصاری معروف شد و استاد متأخرین اصفهان یافت.

### شیخ در بروجرد و اصفهان

شیخ انصاری به سال ۱۲۴۰ق به قصد زیارت مرقد مطهر علی بن موسی الرضا علیه السلام از دزفول حرکت کرد وی به هنگام ترک زادگاهش فرموده است: «آنچه را از علمای عراق که

باید ببینم دیده‌ام و مایلم در این سفر اگر از علمای ساکن ایران شخصیت‌هایی یافت شود که ممکن باشد مورد استفاده قرار گیرند، آنها را نیز ملاقات کرده و از ایشان بهره‌مند گردم». شیخ به اتفاق برادرش (شیخ منصور) رضایت مادرشان را جلب کردند و راهی سفر شدند آنها مدت یک ماه در بروجرد ماندند و سپس راهی اصفهان شدند.

شیخ در اصفهان وارد کاروانسرای شد و منزلی گرفت. در آن زمان ریاست مطلقه و امامت دینی اصفهان در دست با کفایت حجة الاسلام شفتی - بنیانگذار مسجد سید اصفهان - بود. شیخ در یکی از روزها اشکالی را برای شاگردان طرح نموده و منتظر جوابی از آنان بود، شیخ به در پایین مجلس نشسته بود جواب آن را به یکی از نزدیکانش بیان کرده و از مجلس تخرج گردید. آن طلبه نیز جواب را خدمت استاد بازگو کرده استاد فرمود:

این جواب از تو نسبت به حجة بن الحسن علیه السلام به تو تلقین نموده و یا شیخ مرتضی نجفی. آن دانش پژوه بالاخر حقیقت را گفت. سید بلافاصله با چند نفر به شخص و جستجو پرداختند تا سرانجام شیخ و برادرش را در کاروانسرا یافتند و به منزل سید علیه السلام ابرار کرد که شیخ انصاری در اصفهان بماند، ولی شیخ به داشتن پدر و مادر در دزفول اعتذار جست و گفت:

«اگر خیال ماندن و توقفی در ایران داشتم، اصفهان را ترجیح خواهم داد و پس از چند روز توقف این شهر را ترک کرد.

### شیخ در کاشان و ری

شیخ از اصفهان به کاشان رفت و مدت چهار سال از محضر علم علیه السلام و احمد نراقی بهره گرفت و به مباحثه و تحقیق و تألیف نیز اشتغال داشت. نراقی هنگام حیات شیخ از آن شهر اجازه مبسوطی به او داد و با بهترین عبارات و جملات وی را ستوده و فرمود:

«استفاده‌ای که من از این جوان نمودم بیش از استفاده‌ای بود که او از من برد». شیخ و برادرش از کاشان به مشهد مقدس مشرف شدند و چند ماهی در آن شهر توقف نمودند و از آنجا به تهران و ری رفتند و پس از مدتی بازگشت به وطن کردند. مردم دزفول پس از شش سال، هنگامی که از بازگشت شیخ و برادرش با خبر شدند تا چهارفرسخی از آنها استقبال شایانی نمودند.



## بازگشت مجدد شیخ به نجف اشرف

شیخ پس از مسافرت به شهرهای مختلف دوباره در سال ۱۲۴۹ق وارد نجف اشرف شد و از محضر شیخ علی فرزند کاشف الغطاء بهره برد. شیخ علی روزی به شیخ جعفر ثوشتی فرمود: «تو گمان مدار که شیخ مرتضی برای استفاده بردن در مجلس ما حاضر می‌گردد، بلکه شنیده در خانواده‌های علمی، تحقیقاتی هست که او برای بدست آوردن آن در این محضر حضور به هم می‌رساند و الا او دیگر احتیاجی به خواندن درس ندارد.

## اداره حوزة علمیه نجف

شیخ نصاری پس از شیخ علی کاشف الغطاء و برادرش شیخ حسن کاشف الغطاء و همچنین شیخ محمد حسن صاحب جواهر ریاست و اداره حوزة علمیه نجف را از سال ۱۲۶۶ تا ۱۲۸۱ق به مدت ۱۵ سال به عهده داشت و شیعیان جهان از وی تقلید می‌کردند.

## وضع ظاهر شیخ

شیخ از حیث قد ماایل به طویل و رخسارش سرخ و نمکین، بدنش نحیف و چشمانش ضعیف و محاسنش را با حنا رنگ می‌زدند. تمامه بزرگی از کرباس و به تن قبایی سفید رنگ از جنس کرباس و عبایی سرخ رنگ از جنس پشم به دوش.

## مشایخ اجازه روایتی شیخ

مشایخ اجازه روایتی شیخ عبارتند از: حاج ملا احمد مراغی، سید صدرالدین عاملی، شیخ محمد سعید دینوری.

## صفات پسندیده شیخ

شیخ دارای همت بلند، اخلاقی نیکو، زهد و تقوای بی نظیر، استادی بی بدیل، پداری مهربان، مربی دلسوز بود.

میرزا حبیب الله رشتی گفته است: «شیخ سه چیز ممتاز داشت، علم، ریاست، تقوا. ریاست را به میرزا محمد حسین شیرازی داد، علم را به من داد و تقوا را با خود به قبر برد.

## کرامات شیخ

نابعه دهر، شیخ انصاری دارای کرامات و خوارق عادات بوده است که به دو نمونه از

آنها اشاره می‌شود:

### کرامت اول:

در زمان شیخ روزی شخصی از تنگی معاش برای دوستش سخن راند و گفت: اگر همراهی با من کنی در این باب فکر و تدبیری اندیشیده‌ام. گفت: بگو اگر صلاح باشد تو را یاری کنم. گفت: در این روزها پول زیادی نزد شیخ مرتضی آورده‌اند. ما شبانه به خانه او رفتیم و آنها را آورده بین خود تقسیم کنیم.

من چون این پیشنهاد را شنیدم او را منع کردم ولی سودی نبخشید. بالأخره با اصرار بسیار مرا با خود موافق نمود. این شرط که در بیرون منزل بایستم تا او برود و بیاید که من مباشر عملی نباشم چون پانزده شب رفت به سراغ من آمد و به طرف منزل شیخ روانه شدیم و با تدبیری وارد منزل بیرونی شدیم ولی من جلوتر نرفتم، دوستم از پله‌های بیرونی بالا رفت تا از پشت بام بیرونی به بام اندرونی درآمد و از آنجا وارد خانه شده و دست به سرقت بزند.

مدتی نگذشته بود که با من بیرون پریشان و شگفت‌آور نزد من آمد، سبب را پرسیدم گفت: چیزی را مشاهده کردم که تا آنقدر تعجبناک است که تصویب من نخواهی کرد. گفتم مگر چه دیدی؟ گفت: از پله‌ها که بالا رفتم سایه‌ای در میان بیرونی به نظر آمد؛ وقتی از دیوار بیرونی بالا رفتم که خود را به پشت بام اندرونی برسانم ناگهان دیدم شیری مهیب بر کنار بام اندرونی ایستاده و آماده حمله به من بود و هر چه بالاتر رفتم خشم شیر زیادتر می‌گردید؛ قدری تأمل نمودم تا شاید علاجی پیدا کنم، ولی ممکن نشد؛ برگشتم. به او گفتم: شاید ترسیده‌ای!! گفت: تا نبینی باور نکنی از پله‌ها بالا برو و نگاه کن؛ از پله‌ها بالا رفتم نزدیک بام اندرونی شیری عجیب دیدم که از ترسش بدنم به لرزه درآورد، شیر نعره‌ای کشید و به سوی پشت بام بیرونی شد، چون این امر خارق عادت را دیدیم آن را بر کرامات آن مرد بزرگ شیخ انصاری حمل کردیم و نادم و پشیمان برگشتیم.

### کرامت دوم:

یکی از شاگردان شیخ انصاری نقل می‌کند: چون از مقدمات علوم و سطوح فارغ گشته برای تکمیل تحصیلات به نجف اشرف رفتم و به مجلس درس شیخ درآمد ولی از مطالب و تقریراتش هیچ نمی‌فهمیدم خیلی به این حالت متأثر شدم تا جایی که دست به ختوماتی زدم، فایده نبخشید. بالأخره به حضرت امیرالمؤمنین (ع) متوسل شدم.

شبی در خواب خدمت آن حضرت رسیدم و «بسم الله الرحمن الرحيم» در گوش من قرائت نمود.

صبح چون در مجلس درس شیخ حاضر شدم درس را می فهمیدم، کم کم جلو رفتم، پس از چند روز به جایی رسیدم در آن مجلس صحبت می کردم. آن روز پس از ختم درس خدمت شیخ رسیدم وی آهسته در گوش من فرمود: آن کس که «بسم الله...» را در گوش تو خوانده است تا «والضالین» در گوش من خوانده؛ این بگفت و برفت. من از این قضیه بسیار تعجب کردم و فهمیدم که شیخ دارای کرامت است زیرا تا آن وقت کسی از این موضوع اطلاع نداشت.

### وفات شیخ

شیخ انصاری سدهم - صدای الثانی سال ۱۲۸۱ هـ ق پس از ۶۷ سال عمر با برکت اما پر زحمت در نجف اشرف به بیماری اسهال، دار فانی را وداع گفت. چون شیخ از دنیا رفت شیخ راضی علی بیگ، که از شاگردان صاحب جواهر، ملا محمد طالقانی، مولی علی محمد طالقانی و مولی علی محمد خوئی او را غسل دادند و حاج سید علی شوشتری بر جنازه اش نماز خواند و در حجره‌ی متصله به باب قبله صحن مجلل امیرالمؤمنین علی علیه السلام مدفون گردید.

در فوت شیخ ماده تاریخ‌هایی گفته شده از جمله برادرش شیخ منصور در تاریخ ولادت و فوتش سروده:

ز غیب آمده تاریخ حیات و ممات «غدیر» عام تولد «فراغ» عام وفات<sup>(۳)</sup>

### در مورد این شرح

\* برای تدوین این شرح به بسیاری از شروح قدیم و جدید، عربی و فارسی، با واسطه و بی واسطه مراجعه کردم؛

\* روش نگانده در این مکتوب به صورت شرح مزجی، شبیه همان شیوه‌ای است که در ترجمه و شرح «شرح اللمعه، مکاسب و کفایه» بکار بسته‌ام. یعنی توضیحات مورد نظر و نکات افزودنی، داخل علامت [ ] در میان ترجمه آمده است؛

۳. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، تألیف مرتضی انصاری، ص ۱۷۲، چاپ کنگره جهانی بزرگداشت دو بیستمین سال تولد شیخ انصاری رحمته الله علیه.

\* این ترجمه بر اساس نسخه چهارجلدی مصحح رسائل که در کنگره شیخ اعظم انصاری رحمته الله علیه ارائه شد، و بعد توسط مجمع الفکر الاسلامی در قم چاپ و منتشر می‌شود، ترجمه شده است، ولی - برای تسریع در امر حروف چینی و چاپ - نسخه‌ای که در بالای صفحات آمده از «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور» خریده شده است، و ممکن است در مواردی اندک با نسخه مجمع الفکر متفاوت باشد. از این رو، خوانندگان متروم در صورت ناخوانی ترجمه با متن، ترجمه را با متن نسخه مجمع الفکر که در چهار جلد چاپ شده تطبیق دهند؛

\* هدیه شرحی این بنده - از جمله این شرح - شرحی مختصر هستند. یعنی تا نیمه راه را بنده دست طلب را می‌گیرم و نیمه بعدی را باید خود خواننده با دقت و تفکر تا پایان برود. بر این اساس، این کتاب را باید با حوصله و هر روز چند صفحه خواند و بحث کرد، «کتاب خواب» نیست که در شش ماهها صفحه خوانده شود؛ اساساً بنده با شرح‌هایی که بجای طلبه فکر می‌کنند و لقمه را جویده شده در نخل دهان خواننده می‌گذارند و خواننده، همه چیز را آماده و حاضر می‌یابد - بی آنکه خودش تلاش فکری کند - موافق نیستم؛

\* بنده در بخشی از مباحث، نظریه‌هایی را بیان می‌کنم - و نیز در کفایه با آخوند خراسانی - متفاوت است؛ لکن هیچ کدام از نظرات خود را بیان نداشتیم، و فقط به توضیح عبارات شیخ در «رسائل» و آخوند در «کفایه» پرداختیم؛

\* خدای بزرگ را شاکرم که توفیق انجام این مهم را به این سربزین عنایت کرد، دعای خیر شما همواره توشه راهم بوده است.

خدمت‌گزار، طلاب، علوم دینی

محمد سعید عباسی

حوزه علمیه قم